

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان
محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

ایسکرا

۲۸۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۴ آبان ۱۳۸۴، ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیر: عبدل کلپریان



نسرین رضانعلی

و کارفرماها شده اند. این
مبارزه اکنون وارد شرایط حساس و

صفحه ۶

پیام به همسران و خانواده های کارگران نساجی کردستان

مبارزه نمونه ای از ایستادگی و
مقاومت را برای رسیدن به
خواستهای برحق شان به نمایش
گذاشتند. علیرغم تمامی تقلابها و
کارشکنی ها و تهدیدات کارفرما و
دولت، مبارزه همسران شما برای
رسیدن به خواستهای برحقشان
همچنان ادامه دارد. همسران
شما با سازماندهی کمیته اعتصاب
و دهها شکل دیگر عملا وارد یک
رویارویی طولانی و جدی با مدیریت

همسران و خانواده های
کارگران نساجی کردستان!
دوستان عزیز!

اعتصاب، مبارزه و مقاومت
همسران شما وارد پنجمین هفته
خود شده است. در طول این مدت
صدها تن از کارگران هر روزه در
کارخانه حاضر شده و با برگزاری
مجمع عمومی و سازماندهی این

مردم آزادیخواه
کارگران ایران!
اتحادیه های کارگری
در سراسر جهان!
ماکارگران نساجی
کردستان را
حمایت کنید

صفحه ۲



عبه صیدمرادی

مردم عاصی علیه ناسیونالیستهای کرد

روز سه شنبه ۱۸ . ۱۰ . ۲۰۰۵
مردم برای خرید و دریافت سوخت
ماشینهایشان در شهر "آکره" به پمپ
بنزینها مراجعه میکنند که با عدم و
کمبود مواد سوختی برای
اتومبیلهایشان روبرو میشوند و این
در حالی بوده که برای رفع این مشکل
قول چاره جویی داده و مردم را وادار به
تهیه کارتهای دریافت مواد سوختی
کرده بودند با وجود همه این دردسرها
مردم که جلوی پمپ بنزینها منتظر و
صف کشیده بودند که بنزین و گازوئیل
دریافت بکنند با جواب رد و عدم ارائه
سوخت روبرو میشوند اما مردم
متوجه میشوند که عدد ای حتی بدون
انتظار و ایستادن در صف، سوخت
ماشینهایشان را دریافت میکنند و از
صحنه دور میشوند برای کسانی که
نظاره گر این صحنه بودند معلوم بود
که اینها افرادی از مسئولین و
دارودسته های مسلح احزاب حاکم

صفحه ۲

در صفحات دیگر:

صفحه ۶

در گرامیداشت نه به ز احمدزاده

صفحه ۶

کارگران نساجی کردستان در مقابل حمله نیروهای ...

صفحه ۷

کارگران اعتصابی نساجی در مجمع عمومی ...

صفحه ۷

کارگران نساجی کردستان را حمایت کنید ...

صفحه ۸

کارگران شاهو تصمیم خود را ...

صفحه ۸

گزارشی از اقدامات تفرقه افکنانه / بهرام شاد

صفحه ۹

گزارشی به مردم و کارگران در ایران و
اتحادیه های کارگری در جهان

صفحه ۹

"کمیسیون" ضد اعتصاب

صفحه ۱۰

قطعهامه روز جهانی کودک در کامیاران ...

باز هم دو گام به پس پاسخی به ایرج فرزاد



محمد آسنگران

کردستان وظایف و شیوه برخورد
کمونیستها" به اتفاقات تیر و
مرداد ماه ۸۴ در شهرهای
کردستان پرداختم و در متن این
مباحث، علاوه بر مسله خود این
جنبش، ابعاد و اشکال اعتراضی آن
به سیاستها و جایگاه احزاب و
جریانات کردستانی پرداخته ام. در
قسمت سوم این نوشته ها به
سیاستهای منشعبین پرداختم، و
اینکه آنها کل آن جنبش و
خیزشهای شهری را ناسیونالیستی

صفحه ۳

چرخش به راست در سیاست با
تغییراتی جدی در رفتار و منش و
روانشناسی انسانها همراه است.
ایرج فرزاد یکی از نمونه های بارز
این تغییرات و سقوط به اعماق
است.
من طی یک سلسله مقاله در
چهار قسمت که در ایسکرا نشریه
کمیته کردستان حزب چاپ شد،
تحت عنوان "خیزشهای شهری در

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مردم آزادیخواه کارگران ایران! اتحادیه های کارگری در سراسر جهان! ماکارگران نساجی کردستان را حمایت کنید

از صفحه ۱

مدت به کارخانه را کارگران اعتصابی باید بپردازند. این مبلغ از دستمزد کارگران کسر میشود.
۵- کارفرما پول بیمه یک ماه از دستمزد ماههای بعدی کسر میشود و به اداره بیمه پرداخت میشود.

۶- مطالبات کارگران غیر واقعی است و تحت هیچ شرایطی کارفرما آنها اجرا نمیکند

۷- بعد از شکستن اعتصاب مسله کارگران اخراجی مورد بررسی قرار میگردد

کمیته اعتصابیون نساجی کردستان

۲۸ مهر ماه ۱۳۸۴

اعتصاب را به کارفرما بپردازیم. ما به حمایت شما چشم دوخته ایم. ما مصمم هستیم تا رسیدن به خواسته هایمان این اعتصاب را ادامه دهیم. در این راه ما به حمایت شما احتیاج داریم. همصدا با ما تصمیم کمیسیون علیه ما را محکوم کنید.

تصمیمات کمیسیون عبارتند از:

۱- نمایندگان کارگران اغتشاش را دامن می زنند،

۲- این اعتصاب غیر قانونی است و فوراً باید اعتصاب تمام شود

۳- دستمزد یک ماه پرداخت نمیشود، زیرا خسارت به کارخانه وارد آمده است.

۴- تمام خسارت وارده در این

مقامات دولت تشکیل شده است. کارگران ایستادند و همه تصمیمات آن را رد کردند. کارگران در مجمع عمومی روز پنجشنبه به نمایندگان خود اعلام کرده اند که بدون اجازه مجمع عمومی پایی هیچ تصمیمی نروند. نمایندگان هم تصمیمات کمیسیون را در مجمع عمومی مطرح کردند. ۴۰۰ نفر از کارگران قاطعانه این تصمیمات را رد کردند و بر ادامه اعتصاب پافشاری کردند.

اکنون دولت و کارفرما کارگران اعتصابی را تحت فشار قرار داده اند که اعتصاب را تمام کنند. این در حالی است که از ما خواسته اند خسارت دوره

اعتصاب تصمیم گیری کرد. همزمان شایعه کرده اند که همه کارگران را اخراج خواهند کرد. نمایندگان کارگران را تحت فشار شدیدتری قرار داده اند که کارگران را به پایان اعتصاب تشویق کنند. نمایندگان ما را به ارتباط با حزب کمونیست کارگری متهم کرده اند. ما اعلام میکنیم که این اتهامات برای طفره رفتن از اجرای مطالبات ما است. ما تصمیمات این کمیسیون در روز چهارشنبه را رد میکنیم. ما خواهان بازگشت به کار همکاران و پرداخت دستمزدها و دیگر مطالباتمان هستیم.

در مقابل تصمیم کمیسیون کارگری که اساساً از نمایندگان و

در حالیکه اعتصاب ما کارگران نساجی کردستان وارد بیست و هفتمین روز خود شده است، فشار بر ما و تهدید نمایندگان شدیدتر شده است. روز چهارشنبه گذشته مقامات دولتی و کارفرما در کمیسیون کارگری که در استانداری کردستان برگزار شد، اعلام کرده اند که ما اغتشاشگر هستیم و غیرقانونی اعتصاب کرده ایم و باید خسارت این مدت را به کارفرما بپردازیم.

کمیسیون متشکل از نمایندگان استانداری، مدیریت کارخانه، اداره اطلاعات، حراست، نیروی انتظامی، نمایندگان از کارگران و اداره کار تشکیل است. این کمیسیون درمورد این

مردم عاصی علیه ناسیونالیستهای کرد

از صفحه ۱

اگره "خواهان حق خود شوند، مثل سابق به جای قوای خاصه صدام نیروی "حراست" پیشمرگه "با تفنگ به آنها نشانه میروند و یا روانه زندانها میشوند.

بدون شک مردم کردستان عراق فقط به این خاطر که جنایتکاران رژیم صدام رفته اند و عده ای با "کواپاتول" پوش جای آنها گرفته اند ساکت نمیشوند و ریاضت کشی را به خود تحمیل نخواهند کرد و کارگران هم از حق برخوردار از زندگی بهتر و داشتن تشکل صرف نظر نخواهند کرد. این خاصیت طبیعت انسان ثروت آفرین و مدرن این دوره میباشد.

از بین بردن همه ستم و تبعیض ناشی از حاکمیت مناسبات سرمایه داری و رژیمهای مدافع این نظام ضد انسانی تنها کار کمونیسم کارگری و کارگران و مردم آگاه و آزادیخواهی است که تصمیم دارند بر سرنوشته خود حاکم شوند.

عبد صیدمرادی

۲۰ / ۱۰ / ۲۰۰۵

علت فقر و تبعیض و نابرابری را کرد بودن، عرب بودن، ترک بودن، فلسطینی بودن و غیره به اذهان بقبولاند و تنها راه حل همه این مشکلات را هم سپردن امور اجتماعی به دست بومیها و اخراج و انزجار از غیربومیها مینامد.

نگاهی به کارنامه چند سالی که ژنرالهای آمریکایی این دار و دسته ها را بر زندگی مردم تحمیل کرده اند به ما نشان میدهد و ادعاهای ما کمونیستها را ثابت میکند که در سایه حاکمیت این دار و دسته ها قرار نیست که کارگر حق تشکل داشته باشد، مسکن و بیمه و درمان و دکتر و آگاهی در دسترس عموم باشد. اما مردم شاهد تغییراتی بوده اند قبلاً گماردگان رژیم بعث و صدام و سرمایه داران صاحب ثروت که حاصل کار اجتماع بودند و حالا افراد و مسئولین و نزدیکان احزاب قومی دارای ثروت و سامان و زمین و ماشین گران قیمت و شبکه بازار و دسترسی به همه خدمات و وسائل راحتی هستند در این میان اگر مثل مردم "کلار" و

مذاکرات شان، سازش و همکاری با دولتهای منطقه و دشمنی و شاخ و شانه کشیدن برای مردم و کمونیستها و انکار کارگر و مبارزه طبقاتی، همه آن نمایشاتی بوده و هست در جهت اثبات خدمت و نوکر صفتی و برقرار کردن دم و دستگاه سرکوب و تحمیل. این واقعیات ثابت میکنند که ناسیونالیسم و احزاب قومی هیچگونه حقانیتی در بیان اعتراضات و خواسته های مردم ندارند و تنها دلیل حضور آنها و بودنشان مدیون رژیمهای دیکتاتور و همجنس و هم خوی خودشان می باشد.

سرکوبگری دولتهای مرکزی و ستم ملی، سرسوزنی حقانیت به این احزاب و باندها نخواهد بود که به اسم آن ادعای سهم خواهی بکنند. ناسیونالیسم ملت سازی میکند و ویژگی فرهنگ و زبان و موزیک و هر آنچه را که به جدایی انسانها بیانجامد، در آن میدمد و از زیر آوار و خاک بیرون می آورد تا از قبل سر کوبگری و استثمار حاکمین دیگر

خراب کار" متهم شدند.

اگر انصاف را رعایت بکنیم الحق که خوب آموخته اند، اینها در دامان رژیمهای ایران، ترکیه، سوریه و عراق ... بزرگ و پرورده شده اند هر گونه اعتراض و نارضایتی ای غیر قابل تحمل و به زعم این جنابان باید در نطفه خفه شود.

قبلاً بارها از مردم کردستان عراق میشنیدیم که " برای ما چه فرقی میکند که از طرف چه نیرویی مورد آزار و تهدید قرار گیریم چه پیشمرگه کرد زبان باشد و چه اسکر عرب زبان "

این جمله با همه رسا بودنش انعکاس گویای ادعای ما کمونیستها بوده و هست که همه دعواها و شلوغ کردهای ناسیونالیستهای کرد فقط داشتن و یا شریک بودن در قدرت و ادامه وضع پیشین اما توسط ژاندارمی احزاب ناسیونالیست باشد.

احزاب قومی و ناسیونالیست قرار نبوده و نیست که قدمی در جهت منافع و کاهش مشقات زندگی مردم بردارند. تمام دعواهای اینها در

هستند.

مردم خشمگین و معترض این تبعیض و دهن کجی را قبول نمیکند و دست به اعتراض میزنند. در مقابل این اعتراض نیروهای مسلح (پیشمرگ) وارد محل میشوند و اقدام به تیراندازی هوایی میکنند.

دخالت و اقدامات سرکوبگرانه مزدوران مسلح به عزم مردم می افزایند و نه تنها پراکنده نمیشوند بلکه با پیوستن مردم بیشتری به این اعتراضات چندین پمپ بنزین را به آتش میکشند و اقدام به بستن خیابانها میکنند. این اعتراض نه اولین ابراز اعتراضات مردم و نه آخرین آن می باشد.

در تابستان امسال مردم شهر "کلار" در اعتراض به نبود آب و برق به خیابانها آمدند و به اشغال دفاتر ادارات پرداختند و چندین محل دولتی را به آتش کشیدند. در آن ایام مردم شهر کلار و این بار مردم شهر ارکه از سوی مزدوران به کار گمارده از طرف پنتاگون به یک عده "اشویگر و

باز هم دو گام به پس پاسخی به ایرج فرزاد

از صفحه ۱

ارزیابی کردند، و فراخوان ۱۰ مرداد را به پژاک ربط دادند و کل آن اعتراضات را با دست و دل بازی کامل مثل کسی که زحمتی نکشیده بود، به ناسیونالیست‌ها هدیه دادند و... ایرج فرزاد در جواب به مباحث من، در مطلبی تحت عنوان "بلوغ یکساله"، علاوه بر مشت‌های اتهام و فحاشی در عین حال نکات قابل توجهی را در این مقاله بیان کرده است. از جمله اینکه از من نقد دارد که چرا خجالت میکشم که محل تولد خودم را که کردستان است، بیان کنم! به یک معنا ایرج فرزاد کارت محل تولد من را از نظر خودش افشا کرده است. که ناسیونالیسم کرد را تحریک کند.

مرحله ای که ما شاهد آن هستیم، شبیه دوره ای است که افق سوسیالیسم بقلم عبدالله مهتدی انتشار می یافت. اینها در سیاست معنی دارد و بویژه در بازار سیاست ناسیونالیسم کرد. هرکس در کردستان بخواهد به دور سفره ناسیونالیسم کرد راه یابد، اول باید به حزب کمونیست کارگری بتازد. این اولین کارت ورود به این صف است.

این چراغ سبز نشان دادن به کسانی است که ورقه عبور به صفشان، فحاشی به حزب کمونیست کارگری و جنبش کمونیسم کارگری است. ایرج فرزاد شوخی می فرماید اگر خود را و حتی دوران کودکی خود را به منصور حکمت و انقلابیگری و کمونیسم او وصل میکنند. این شوخی بیش از حد مسخره و سبک است. این قصه، داستان ساختگی لیدر سرگردانی است که برای لیدر شدن، باید قصه های محیرالعقول می ساخت و خود و حکمت و ایرج فرزاد را در یک صف و دیگران را در مقابل آنها "چپ سنتی" خطاب میکرد تا خزین به صف راستها و جا داشتن در حکومت حجابیان و بهر حال یک "حکومت ائتلافی" را تجربه کند. اما نهایتاً بیش از یک مستشار جریانات راست و ناسیونالیست کرد نخواهد بود.

امروز در صف ایرج فرزاد، سیاست به معنای پشتک وارو زدن و دروغگویی و فحاشی، توهین و تحقیر است. اما سیاست برای من بعنوان حقیقت گویی و حقیقت جویی معنی میدهد. میدانم در میان طبقات حاکم و کسانی که تحت تاثیر آنها هستند، سیاست همین معنی را دارد که آقای مدرسی و فرزاد از آن حرف میزنند، اما سیاست برای من نقد دنیای همین سیاسی کاران ریاکار است. سیاست برای من نقد دنیای بیرحم و خشن و تلاش برای برقراری دنیای مملو از راستی، صمیمیت، برابری و انسانیت معنی شده است. سیاست را اولین بار در نقد نابرابری یاد گرفتم و این را تعمیق کردم. متأسفانه امروز فرهنگ ما و منشعبین در برخورد به سیاست هم دو دنیای متفاوت است.

این دوستان سابق ما هر چند به ناسیونالیسم فحش میدهند به همان اندازه با سنتهای این جنبش آغشته میشوند. این نوع مخالفت با ناسیونالیسم کپی همان مخالفت چپ سنتی ایران با امپریالیسم است. هر چقدر چپ سنتی و ملی ضد امپریالیست، به امپریالیسم نفرین فرستاد، و در قدمهای بعد مجیز گوی آن شد، به همان اندازه و با همان سیاق این دوستان سابق ما هم مخالف ناسیونالیسم هستند. تا کنون هم دیده ایم و شاهد بوده ایم که منشعبین بعد از جدایی از ما روشها و سنتهای ناسیونالیستی را یکی پس از دیگری در آغوش کشیده اند. اینها با روش و سنتی که در پیش گرفته اند بزودی به مجیز گوی ناسیونالیسم کرد تبدیل میشوند.

ایرج فرزاد در جواب به من هیچکدام از سوالات و فاکتهایی که نقل کرده ام را جواب نداده است. میدانم که جوابی ندارد و بهمین دلیل باز هم خود را به کوچه علی چپ زده است. برای طفره رفتن مرا به کفر گویی متهم کرده است که گویا من در نامه ای منصور حکمت را نقد و به محفلیم متهم کرده ام.

اولاً این یک دروغ آشکار است، چنین نامه ای وجود ندارد. من تعجب میکنم که ایشان چگونه به خودشان اجازه میدهند این چنین بی مهابا دروغ بگویند. تا جایی که به یاد دارم تنها نامه ای که از من علنی شده است، نقدی است به روش و سبک فعالیت حزب در داخل ایران که قبل از کنگره سوم نوشته شده است. این نامه نقد گوشه هایی از نظرات کورش مدرسی در رابطه با برخورد سازشکارانه وی به جریان دوم خرداد را هم نقد کرده است که او در یک مصاحبه رادیویی مطرح کرده بود.

دوماً اگر من چنین نقدی هم کرده بودم چرا از نظر آقای فرزاد کفر محسوب شده است و به عنوان سند جرم از آن یاد میشود. این جنابان چون خود را مرید میدانند به همان سیاق دارند منصور حکمت را هم شیخ و پیغمبر معرفی میکنند. با این سیاستهای غیر مسولانه و درویش مابانه واقعاً اینها فکر نمیکند چه هذیانی را دارند تحویل خوانندگانشان میدهند و چه جفایی در حق منصور حکمت انجام میدهند. واقعاً که صوفیگری و فرهنگ عقب مانده و محدودنگری روستایی در میان اینها رواج بی سابقه ای یافته است.

ایرج فرزاد در جواب من یک مشت احکام بیربط و غیر عقلانی را ردیف کرده است و احتمالاً انتظار دارد کسی او را جدی بگیرد. من حقیقتاً احتیاجی به جواب دادن به این فحش نامه نمیبینم. اما در بطن این فحاشی و ادبیات کوچه بازاری، نه تنها سابقه وارونه برای خودشان میسازند، بلکه میخواهند سابقه ما را به دلخواه خود بنویسند. راه حل اینها کوچک نشان دادن مخالف سیاسی شان است که بتوانند خودشان را بزرگ نشان دهند.

دوستان این سبک روستایی را کنار بگذارید! مثل آدم متمدن بیابید و اختلاف سیاستان را بیان کنید. بیابید از نظراتتان دفاع کنید. من فاکتهایی را نوشته و سیاه روی سفید به قضاوت گذاشته ام شما

میتوانید آترا انکار کنید، میتوانید از آن دفاع کنید. میتوانید نقل قولهای که من نوشته ام را تکذیب کنید. اما نمیتوانید با فحاشی کردن شان از زیر بار مسئولیت تزهائیتان خالی کنید. هر چقدر شما بجای سیاست، استفراغ کنید من ناچارم باز هم شما را دعوت کنم که بیابید استدلال کنید. رؤس تزهائیه شما را یک بار دیگر یادآوری میکنم لطفاً بجای بد و بیراه گفتن دفاع سیاسی این تزهائیه را بیان کنید.

"اجرای عملی برنامه های کمونیستی مردم را رم میدهد"
"قدرت سیاسی در ایران میوه ای است که به دامن دوم خرداد بیا می افتد"
"نه چپ و نه راست اپوزیسیون نمیتوانند به تنهایی قدرت سیاسی را بگیرند"
"سرنوشتی جمهوری اسلامی به شکل سرنوشتی جناح راست جمهوری اسلامی اتفاق می افتد"

"بعد از جمهوری اسلامی دولت حجابیانی درست میشود ما نباید این حکومت حجابیانی را سرنوشت کنیم"
"باید از مردم هم بخواهیم این دولت حجابیانی را سرنوشت نکنند"
"من میگویم این نسیم انقلاب است اگر هم انقلابی بشود خصلت دمکراتیک دارد نه سوسیالیستی ..."

در مورد خیزشهای شهری ایرج فرزاد نوشته است حزب کمونیست کارگری برای روز ۱۰ مرداد فراخوان "به تظاهرات داد اما اتفاقی نیفتاد." **"فراخوان تظاهرات خیابانی در روز ۱۰ مرداد امسال داد و البته کسی به آن پاسخی نداد"**. این یکی از ادعاهای عجیب روزگار است. زیرا شروع خیزش در سنندج بعد از ظهر همین روز بود. و حمله به بانکهای مورد دفاع آقای فرزاد در همین روز اتفاق افتاد و به آتش کشیدن دارالترجمه قرآن هم در همین روز بود و... ایرج میتواند بگوید "این نواره ..."

ایرج و همفکرانش تلاش میکنند این تزهائیه "شیرین" را بی صاحب قلمداد کنند، و با بسته بندیهای جدید آنها را نشخوار کنند، لطفاً بجای داستان خر دجال بیابید از این تزهائیه "شیرینتان" دفاع کنید یا نقد کنید. یا اعلام کنید این تزهائیه بی صاحب که لیدرتان اعلام کرد به کجا رسید. سرنوشتش چی شد، جواب بدهید که این تزهائیه شما بود یا نه؟ جواب بدهید آیا دولت

موقت شما دولتی ائتلافی است یا نه؟

یک بار دیگر به این دوستان تذکر دهم اگر بحث سیاسی و تئوریک دارند منهنم حتماً گوش شنوا خواهم داشت. اگر بازار مکاره و دکان اتهام زدن و احکام صادر کردن باز کرده اند با عرض ادب میگویم که ما نیستیم. این سنت مبارک شما و لیدرتان باد، نمونه این افشاگریها در وبلاگ ناسیونالیستهای کرد علیه حزب کمونیست کارگری و منصور حکمت دیدیم. این "افشاگری" شما هم با یک درجه تخفیف ادامه همان سنت است. تأسف بر انگیز است اما واقعیت دارد.

اما در باب "افشاگریهای" این دوست سابق، باید عرض کنم که بحث بسیار سطحی شده است، متأسفانه. اینکه من در دوران بچگی نماز خوانده ام و... بیشتر به شوخی بچه های دم کوچه شبیه است تا یک بحث سیاسی. من در سن ۱۷ سالگی خود را کمونیست میدانستم و یکی از مسولین کومله بودم. شاید این "دانشمند جامعه شناس" منظورش از این افشاگری دوران بچگی من و قبل از سن ۱۴ سالگی است، که بیشتر از سر هذیان گویی است تا استدلالی منطقی. به ایرج فقط اینرا میتوان گفت که واقعاً قافیه تنک آمده است. اطرافیان ایرج باید به این درافشانیها کمی فکر کنند و بدانند که دنبال چه آدمهای افتاده اند. من هر چه به این تن "جامعه شناسانه" ایشان فکر کردم بجز سطحی نگری و فرهنگ کوچه بازاری چیزی از آن نفهمیدم. حتماً خوشحال شده اند که سازمان زحمتکشان همین را تیتتر کرده است و مقاله آقای فرزاد را چاپ نموده است این درافشانیها را زحمتکشان و آقای فرزاد خوب بلد هستند.

اتفاقاً باند زحمتکشان عینا با همین فرهنگ و ادبیات به فاتح شیخ برخورد کردند و گفتند مذهبی و طرفدار شیخ بوده است و... این فرهنگ، لجنی است که هر جا آترا دستکاری کنید بوی تعفن آن همه را می آزد. ایرج متأسفانه به این فرهنگ روی آورده است، عاقبت غم انگیزی است. البته شاخکهای حسی سازمان زحمتکشان خوب کار میکنند. میدانم که این فرهنگ

باز هم دو گام به پی پاسخی به ایرج فرزاد

از صفحه ۳

ادامه فرهنگ خودی برای آنها است. ایرج فرزاد بیهوده دارد خود را خسته میکند. زبان گویای آقای مهدی شده است. قبلاً هم آقای مهدی علیه ناسیونالیسم کرد در قالب حزب دمکرات با همین سیاق حرف میزد، اکنون نگاهش کنید، که چهار نعل به دنبال آمریکا میدود و دم در حزب دمکرات زانو زده است. اما کسی بجز طالبانی تحویلش نمیگیرد. ایرج و لیدرش این دویدن را فعلاً در سطح دیگری آزمایش میکنند از آمریکا شروع نمیکنند فعلاً از سازمانهای کردی و نزدیک شدن به آنها شروع کرده اند، راه دیپلماسی اینطور حکم میکند.

یکی دیگر از افشاگریهای ایرج این است گویا من در دوران بحث چپ و راست در کومه از بحث جناح راست دفاع کرده ام و در نقد منصور حکمت نوشته ام. اولاً این فاکت نادرست است و بلوف آقای فرزاد واقعاً برای من عجیب است. این حمله و اتهام این چنینی به من را خودشان هم میدانند دروغ میگویند. میدانند دارند آگاهانه این دروغها را مینویسند. اکنون ایرج فرزاد دارد بی مهابا و با ادبیات شناخته شده جریانات عقب مانده و بی پرسنپ ناسیونالیست کرد در مورد من حرف میزند. اما بر اینها حرجی نیست سنتشان همین است.

نکته مهم از نظر من این است که "پیشینه سازی" از نوع ایرج فرزاد و به عبارتی قهرمان سازی از خود و شیطان سازی از من دالالت دیگری بر استیصال جریانی دارد که موجودیتش بر اساس نفرت از حزب کمونیست کارگری بنا شده است و در صحنه سیاسی می خواهد از قبل این نفرت افکنی جایی در میان "پیشکسوتان" جنبش ناسیونالیستی بیاید. جواب من همان است که قبلاً به آقای مهدی دادم صندلیها اشغال است، دیر تشریف آوردید.

بهر حال آن دوره برخلاف نظر ایرج فرزاد من در صف مخالفین گرایش راست بودم و اکثر رهبران حزب ایشان هم در نقد منصور حکمت گفتند و نوشتند. حالا که

میخواهند جای ما را تغییر بدهند زیادی ناشیانه است. برای ایرج مهم این است که در یک جلد با هر ترفندی پرونده سازی کند. واقعاً که هدف وسیله را توجیه کرده است. ایرج میتواند مخالف نظر من باشد، اما نمیتواند واقعیات آن دوره را جعل کند.

من هیچ وقت مایل نبودم و نیستم، که تاریخ را به رخ این دوستان بی درایت بکشم، اما هنگامی که تاریخ سازی به کارشان تبدیل شده است و گذشته خودشان را دارند به ما نسبت میدهند کمی عجیب است. واقعاً کمی گستاخی لازم است تا چنین جملاتی را خطاب به ما بگویند. اما گویا ایرج از این گستاخی کم نیاورده است. در شرایط کنونی تنها اتفاقی که افتاده است محفل قدیم کومه ای دور هم جمع شده و با افق اتحادیه دهقانی مریوان میخوانند به جنگ سوسیالیسم بیاید.

ایرج از کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست یاد میکند که آنجا حمید تقوایی و منصور حکمت با هم جلد داشته اند. من میپذیرم آن هنگام منصور حکمت و حمید تقوایی بر سر سبک کار کمونیستی با هم جلد میکنند و حق با منصور حکمت است. ما در پایان همین بحث حمید تقوایی و منصور حکمت به اتفاق به یک قطعنامه رای میدهند. اینها رهبران یک جریان سیاسی هستند که کل چپ ایران را و همین آقای فرزاد و لیدرش را تغییر دادند. و همیشه در کنار همدیگر و در تکامل همدیگر فعالیت کرده اند.

به قول منصور حکمت "من **نمیدانم چگونه از حمید تقوایی تشکر کنم، زیرا اگر او نبود من (منصور حکمت) این راه را نمی آمدم اما او (حمید) بدون من (منصور حکمت) همین راه را می آمد**" کف زدن متمدن حصار در پلنوم حزب کمونیست کارگری ایران،

آن هنگام آقای مدرسی و آقای فرزاد بیش از همه با حرارت کف میزدند، اما حالا باید نان را به نرخ

روز بخورند و طور دیگری حرف بزنند. رنک حقیقت باید عوض شود. تاریخ گذشته حمید تقوایی را باید برخلاف نظر و گفته منصور حکمت بنویسند" این فرهنگ سیاسی دورویی و دودوزه بازی فرهنگ ناسیونالیسم کرد است" منفعت روز برای اینها هر چی باشد حقیقت مطلق همان است.

اما آیا میشود سوال کرد آن موقع که حمید تقوایی و منصور حکمت بر سر سبک کار کمونیستی با هم جلد میکردند آقای ایرج فرزاد و لیدرش کجا بودند و از چی دفاع میکردند. میشود پرسید که آیا ایرج در این زمان مورد بحث اصلاً میدانند سبک کار کمونیستی خوردنی یا پوشیدنی است ایرج که جای خود دارد، میشود پرسید آنهانگام لیدر فعلیتان کجا بود و از چی دفاع میکرد، میشود از شما سوال کرد که چه کسی دارد تاریخ سازی میکند. دوستان کمی عاقل باشید کسی که در اطاق شیشه ای نشسته است، سنگ به طرف دیگران پرت نمیکند.

با این وجود کسی که بخواهد نقش رهبران این حزب را از اول تا کنون بشناسد. می تواند تاریخ شفاهی جریان ما را از زبان منصور حکمت در انجمن مارکس بشنود. هزار و یک سند و نوشته و مقاله وجود دارد که هر مراجعه کننده ای با خواندن آنها می تواند نقش و سهم آدمهای متفاوت را دریابد. بعلاوه گیریم همه این حرفهای شما درست باشد، شما که الان دارید راست می زنید و از کمونیسم فاصله میگیرید مورد بحث است نه اینکه در تاریختان چه کاره بودید. من از شما میپرسم واقعاً اگر در مورد عبدالله مهدی بخواهید با همین متر و معیار قضاوت کنید چه استدلالی دارید. عبدالله مهدی تاریخاً از دوران اولیه کومه و بویژه از مقطع مارکسیسم انقلابی تا مقطع جدایی جریان ما از حزب کمونیست ایران تاریخ روشنی دارد. کم و بیش من و شما هم همان تاریخ و تجربه را پشت سر داریم. اکنون چی، آیا آن

افتخارات که در صف چپ حضور داشت، سند حقانیت ورود او به درون جنبش قومپرستی است. دوستان من میدانم این جنگ سابقه ها برای شما ها مهم است. اما سابقه مهمتی و شعیب زکریایی بخشی از سابقه کل کومه بود. با این حال اکنون در صف قومپرستان کرد قرار دارند. این جنگ و دعوی سابقه و سهم خواهی را مهدی قبل از خروجش از کومه مطرح کرد، اما ایرج فرزاد بعد از جدانش دارد این راه را میپیماید.

تفسیرهای من در آوری از این نوع که گویا از روز اول آقای فرزاد مثل منصور حکمت فکر میکرده است و دیگران در مقابلش بوده اند کمی سبک بنظر میرسد. چنان وانمود میشود که خود منصور حکمت گویا از دوران بجگی مارکسیست و دوست و هم رزم ایرج و مدرسی بوده است. آقای فرزاد شما میتوانید سیاستهای امروز ما را نقد کنید، میتوانید بحث سیاسی داشته باشید، میتوانید از خود تعریف و تمجید کنید، اما این نوع بحث کردن، هم سطحش پایین است هم به نفع شما نیست. بهتر است خودتان را به این روز نیندازید. چه اجباری هست آن هنگام که نبودید و با کتاب ما و زیر بغل به سراغ بقیه میرفتید بخواهید به ما بقبولانید که با منصور حکمت عکس دارید. چه کسی تو را باور میکند. اتهام اینکه من در نقد منصور حکمت نوشته ام عاقبت خوبی برای شما ندارد. بفرض که چنین است، چرا باید مثل یک گناه کبیره از آن پرونده سازی کنید. اگر این حرف شما هم درست باشد چرا وکیل منصور حکمت شده اید. اگر چنین بوده باشد آن هنگام خودش در قید حیات بود و میتوانست جواب بدهد. شما ها چکاره هستید که خودتان را وکیل خود گمارده قلمداد میکنید. به هر حال وجود چنین نامه ای واقعیت ندارد اما مسئله این است که ایرج وکیل خود گمارده و دروغگو تشریف

دارند. این اتهامات از سنخ همان اتهامات نوع ویلاگ نویس حزب دمکرات است. ویلاگ نویس برای اینکه آبروی حزیش نرود اسم ویلاگش را تغییر داد. ایرج فرزاد اسم چه چیزی را تغییر میدهد این فرهنگ

این اتهامات از سنخ همان اتهامات نوع ویلاگ نویس حزب دمکرات است. ویلاگ نویس برای اینکه آبروی حزیش نرود اسم ویلاگش را تغییر داد. ایرج فرزاد اسم چه چیزی را تغییر میدهد این فرهنگ

را من ناسیونالیستی نامیدم. زیرا يك ذره احترام برای گفته های خود قائل نیستند. زیرا يك ذره حقیقت نزد اینها ارزش ندارد. زیرا حقیقت فدای منفعتهای روز و مقطعی میشود. من قبلاً از فرهنگ و سنت ناسیونالیستی ایرج و همقطاراناش یاد کردم منظورم همین نمونه ها بود که ایرج يك بار دیگر بر آنها تاکید گذاشت. نباید اشتباه کرد اینها ناسیونالیسمشان فعلاً برای توجیه ملت پرستیشان نیست، فعلاً سنتهای سیاسی و نظامی آنها و افقهای آنها را بکار میگیرند. بعداً اگر لازم شد ادویه ملیت و قومشان را هم اضافه میکنند.

برخلاف تحریف آقای فرزاد من تحلیل را از منشعبین نه از محل زادگاه آنها بلکه از سنت و سیاست آنها نوشته ام. اتفاقاً از تاثیرات جنبشی دارم حرف میزنم که مهدی را قبلاً با خود برد و امروز نوبت ایرج و مدرسی و... رسیده است. این همان جنبش و سنت است. که مورد نقد من است و امروز ایرج فرزاد از آن فرهنگ تشخوار میکنند. فرج سرکوهی "چپ" سنتی و ضد امپریالیست دپروز، جمهوریخواه و طرفدار بوش امروز شده است. ایرج هم، فردا اگر در مدح طالبانی و قاضی محمد نوشت زیاد تعجب نکنید. آقایان مهدی و شعیب زکریایی قبلاً و در دورانی که در حزب کمونیست بودند بسیار با پرسنپ تر از ایرج فرزاد بودند، اکنون به دستور جلال طالبانی قرار است تاریخ کردستان و نقد چپ و تحولاتش را در کردستان ایران بنویسند. و طبعاً در نقد سوسیالیسم و در دفاع از رهبری "کردها" قلم خواهند زد. بنابر این سابقه کسی مانع ریل عوض کردن سیاستش نیست. نمونه های بالا شاهد این مدعا هستند. این نمونه پایینی هم قطب نمای ایرج و جریانش را نشان میدهد.

ایرج فرزاد ملیت کرد بودن را به من یادآوری کرده است و گفته است که چرا من نمیگویم کرد هستم و کجا متولد شده ام.

"نمیدانم چرا آسگران خجالت میکشد که بگویند در کردستان متولد شده است و زمانی نسبتاً طولانی از زندگی سیاسی خود را به هر حال به

باز هم دو گام به پس پاسخی به ایرج فرزاد

از صفحه ۴

عنوان کمونیست در کردستان سپری کرده است؟

از یاد نبریم عبدالله مهتدی اوایل جرات نداشت این چنین بی مهابا رک و پوست کنده حرف بزند. اما اکنون این جناب کارت ملیت از من درخواست میکند.

آقای فرزاد اولاً من قبل از اینکه اجازه بدهم، مارک کرد، فارس و یا هر طوق ملی دیگری را گردنم بیندازند، انسانم، متاسفانه این استدلال را قبلاً در مقابل ناسیونالیستهای کرد میگردم، اکنون کسی که مدعی چپ و منتقد ناسیونالیسم کرد است، "سند ملیت" را رو کرده و تایید آنرا از من خواسته است. آقای فرزاد نگران نباش از ملیت عزیز شما کم نمیشود. من زبان کردی را برای حرف زدن بکار میبرم. مردم کردستان را هم مردمی مبارز و مدرن میدانم، که فرسنگها از تصویر جریانات عقب مانده ای مثل شما فاصله دارند. این مردم جنبش چپ و انسانگرایانه را در درون خود تقویت کرده اند. شما لازم نیست احساسات ملی کسی را تحریک کنید. تنها کسانی تحریک میشوند که مثل شما و افراطی تر از شما فکر میکنند. دیروز بر محور فرنجی و هلیبرکی (رقص) کردی علیه فارسها قلم فرسایی کردید، امروز قومیت و ملیت و محل تولد برایتان جایگاه پیدا کرده است عاقبت خوبی نیست متاسفم.

ایرج آگاهانه دارد احساسات ناسیونالیستها را تحریک میکند که محمد آسنگران با وجود اینکه در کردستان متولد شده است چنان وانمود میکند که کرد نیست. این آن چیزی است که ایرج میخواهد به ناسیونالیستهای کرد بگوید.

از کی تا حالا محل تولد کمونیستها مهم شده است و چرا آدم باید نیازی به یادآوری آن داشته باشد؟ ایرج رندانه میخواهد همین تفکر عقب مانده ناسیونالیستی را به من نسبت بدهد. این در حالی است که من به سنت سیاسی آنها در

یک جنبش اشاره دارم، نه به محل تولدشان، اما ایرج رسماً دارد احساسات ناسیونالیستی را تحریک می کند و تایید کارت محل تولد را از من میخواهد. این اگر قدری کش پیدا کند همان بحث و ارزیابی مستهجن حزب دمکرات می شود که، فارسها آمدند و کردهای کومله را فاسد کردند. ایرج دارد غیر مستقیم به من می گوید که در مقابل فارسها تو نباید کردیت خودت را انکار کنی، محل تولد تو کردستان است. احتمالاً مدتی دیگر باید منتظر این باشیم که ایرج به ما یاد آوری کند که کردها از نسل شیر هستند نه میمون. جواب من هم روشن است: آقای فرزاد آقایان و خانمهای ناسیونالیست کرد. من افتخار میکنم که در نقد شما و افکار شما قلم میزنم. کسی که در مقابل این افکار عقب مانده و ملت پرست نایستد نه تنها مارکسیسم بلکه دفاع از انسانیتش هم برای من زیر سوال است.

حال که بحث در مورد اشخاص مجاز شده میشود اجازه بدهید نظرم را مختصراً در مورد ایرج فرزاد بیان کنم.

هیچ وقت ایرج فرزاد را آدم جدی ارزیابی نکرده ام. همیشه ایرج برای من یک پوپولیست عقب مانده بود، اما دورانی که از خواب بیدار شد و مارکسیسم انقلابی را پذیرفت و بعداً هم به دنبال منصور حکمت آمد. برای من جای خوشحالی بود. فکر کردم این انسان نجات پیدا کرده است. اما متاسفانه بعد از منصور حکمت اینها یک بار دیگر مثل اتمهای آزاد شده هر کدام راه خودشان را رفتند. موقعیت اینها شباهت زیادی به فنر دارد هنگامی که آزاد شدند برگشتند همانجایی که بودند. ایرج هم یکی از قربانیان این دوره بود. این بازگشت به عقب بازگشت به کومله دوران حزب کمونیست ایران نیست، بازگشت به دوران اتحادیه دهقانی مریوان است. این

ندارد. "ظاهراً این جنابان خیلی "اجتماعی" تشریف دارند و گویا هر حرکت مترقی و چپ را حمایت میکنند برای همین بود که از کومله حمایت کردند!"

لطفاً شوخی نکنید. من شما را خوب میشناسم. اگر این ادعای خودتان را باور دارید حتماً مراسم های تهران و پارک سپیدار سنندج و مراسم کامیاران را نشنیده اید. حتماً عکسهای آنها را ندیده اید. البته در این موارد مهر سکوت بر لب کل چپ سنتی ایران کوبیده شد. سنت مشترک، همه آنها را در یک صف قرار داد و سکوت را ترجیح دادند. اینها همانهایی هستند که خیلی مخالف "سکتاریسم" هستند!

ما این صف مهجور را میشناسیم. منشعبین عزیز هنوز همان این صف هستند نه صاحب خانه. از ما قهر کردند به این صف نزدیک شدند، اما عاقبت تلخی است. باید منتظر اعلامیه های مشترک و امضاهای جمعیشان باشیم. ۱۶ آذر پیش پرده این فیلم بود. اکنون همه سور با نقد ابراهیم علیزاده و بهانه جویی نمیتواند آنرا وصله پینه کند. جهت اطلاع همه سور باید عرض کنم جهت همان است که کورش مدرسی مطرح کرد، شما هم ناچارید همان راه را بروید.

اخبار کارگری را نگاه کنید این اخبار در شهرهای خارج کردستان دهها برابر شهرهای کردستان است.

عکس العمل منشعبین را ببینید اگر کسی فقط منابع خبری اینها را نگاه کند انگار واقعاً کردستان مرکز تمام مبارزات است و شهرهای دیگر ساکت و بی خبر از دنیا زیست میکنند. البته در کردستان هم باید زحمت بکشند و سایتهای ما را نگاه کنند که اخبار آنجا را هم متوجه بشوند. کل مشغله هایشان حول مسایل کردستان است. کاری و اقدامی در مورد مسایل ایران برای اینها جایگاهی ندارد. به همین دلیل در کردستان هم چون کاره ای نیستند، تنها راهی که برای آنها آشنا و قابل اجرا به نظر میرسد کومله پستی و اسلحه است. متاسفانه طولانی شدن عمر جمهوری اسلامی این چنین عوارضی را به همراه خود آورده است.

از کلمه انقلاب و سرنگونی دیگر خسته شده اند. میخواهند راه میانبری پیدا کنند. ۲۴ سال قبل فکر میکردند ۶ ماه دیگر به شهر زادگاهشان برمیگردند. امروز بیاد همان آرزو، مظفر محمدی تحت عنوان "شهر من سنندج" حرف میزند. در شرایطی که کره زمین به یک دهکده تبدیل شده است، آقای محمدی به یاد "سنندج شهر من" افتاده است. منتظر باشید که فردا "کردستان خاک پاک من"، در این صف مهجور بر پرچمشان حك میشود. در دوران طرح بحث سناریو سیاه و سفید تعدادی از اینها فکر کردند که به این زودی اتفاقاتی می افتد. برخلاف ذهنیت آقای فرزاد و لیدرش اتفاقی نیفتاد. اکنون که میخواهند از آن ذهنیت نجات پیدا کنند، همراه لیدرشان اعلام میکنند که جامعه به راست چرخیده است. چپ کاره ای نیست. خوب اینها را میگویند که راه راست روی خودشان را هموار کنند. و حزب کمونیست کارگری را تضعیف کنند. بقول منصور حکمت کسی که صفی را ترک میکند انتظار تعریف و تمجید از آن صف را نباید از او داشته باشید. اینها باید رفتن خودشان را یک جوری توجیه کنند. اما سرعت سر بر آوردن سنتهای ناسیونالیستی کرد در میان اینها واقعاً حیرت انگیز و تاسف بار است.

قبل از انشعاب به صالح سرداری گفتم این نبرد سخت و بیرحمانه خواهد بود. نبرد کمونیسم کارگری با گرایش راست است. شکست سختی میخورید اگر سیاستهای حزب را این چنین زیر پا بگذارید، ناچارید به طرف کومله فرمان بچرخانید. صالح در جواب گفت: من فکر میکنم شما شکست میخورید. اگر کورش هم سازش کند ما نمیکیم. شما چپ سنتی هستید به نظر شما به طرف کومله میروید. اکنون بعد از یکسال و اندی قضاوت کنید، کی نیرو گرفت، کی شکست خورد و کی به سمت کومله رفت. من با کمی اصلاح باید بگویم دوران اولیه کومله منظور بود نه حتی کومله امروز.

در گرامیداشت نه به ز احمد زاده

از صفحه ۱



نه به ز احمدزاده جوانی کمونیست بود که فرصت یادگیری و یاد دان او بسیار کوتاه بود. اما در همین فرصت کوتاه به چهره ای محبوب در میان رفقایش تبدیل شده بود. نه به ز احمد زاده کمونیستی پیکیر بود که برای یادگیری مارکسیسم، به روایت منصور حکمت تلاش با ارزشی از خود نشان داد. تلاش او برای یاد گیری و یاد دادن همان اندازه که یاد گرفته بود، سرمشقی برای رفقایش است. یاد نه به ز احمد زاده این کمونیست جوان را گرامی بداریم.

کارگران نساجی کردستان در مقابل حمله نیروهای انتظامی و عوامل اطلاعات تجربه مهمی را به نمایش گذاشتند

امروز دوشنبه ۲ آبانماه بهارشیاری یکی از مدیران کارخانه نساجی با تعدادی از عوامل خود مجددا اقدام به روشن کردن ماشینهای کارخانه کردند. بهارشیاری دیوار شیشه ای بین کمپرسور و موتورخانه و درهای ورودی را با میله های آهنی شکست که بتواند ماشینها را روشن کند. اما کارگران اجازه ندادند که ماشینینی روشن شود.

امروز همچنین ساعت ده و نیم صبح سرهنگ جواد اکبری همراه ۱۲ نفر و دو ماشین نیروی انتظامی وارد کارخانه شدند. سرهنگ اکبری اسامی ۱۰ نفر از کارگران را خواند و اعلام کرد که برای دستگیری این ۱۰ نفر، بعنوان عوامل اغتشاش به کارخانه، آمده اند. اما کارگران متحدانه و سازمان یافته صحنه باشکوهی را در مقابل آنها به نمایش گذاشتند.

سرهنگ اکبری اسامی ۱۰ نفر از کارگران را خواند و هربار کارگران دسته جمعی اعلام کردند که ما هستیم.

اکبری با صدای بلند شیث امانی را صدا زد کارگران دسته جمعی جواب دادند ما هستیم.

اکبری صدا زد باقر رحیمی کارگران یکصدا گفتند ما

هستیم.

اکبری گفت هادی زارعی

کارگران فریاد زدند ما هستیم.

فرمانده نیروهای انتظامی

اسامی نامدار ورزنده هوشیار،

فرشید بهشتی زاد، ناصر زارع

رمشتی، رضا صید مرادی، اقبال

مرادی و دیگر کارگران را هم خواند و

کارگران با هر اسمی دسته جمعی

جواب دادند. سرهنگ اکبری

عصبانی شد اما مورد تمسخر

بیشتر قرار گرفت. کارگران سرهنگ

و همراهانش را هو کردند و با دادن

شعار آنها را از کارخانه بیرون کردند.

کارگران همچنین در مجمع

عمومی خود بحث کردند و متحدانه

تصمیم گرفتند چنانچه هرکدام از

نمایندگان را احضار کنند، همه

۴۰۰ کارگر کارخانه مقابل

اطلاعات و ستاد خبری تجمع

خواهند کرد. کارگران همچنین

کمیته ای در حمایت از نمایندگان

خود ایجاد کرده و اطلاعیه هائی را

در سطح شهر پخش کرده اند.

بدین ترتیب کارگران نساجی یک

تجربه مهم دیگر را به نمایش

گذاشتند و اعلام کردند که متحد و

با اعتماد بنفس ایستاده اند و تسلیم

این تهدیدات و زورگویی ها نخواهند

شد. این اقدام جسورانه و متحدانه

که با درایت خاصی به اجرا گذاشته شد، اعتماد به نفس کارگران و نمایندگانشان را بالا برده است.

کارگران و مردم شریف و

زحمتکش:

وقت آن است که با تمام قوا و به

هر شکل که میتوانید از جمله با

تجمع در مقابل کارخانه از کارگران

نساجی و خواستهای بحق آنها

حمایت کنید. حضور نیروهای

سرکوبگر در کارخانه را شنیدید

محکوم کنید و کارگران را در مقابل

دست درازی وزارت اطلاعات و سایر

نیروهای سرکوبگر به کارگران و

نمایندگان آنها، تنها نگذارید.

کارگران نساجی شایسته حمایت گرم

و قاطع شما هستند. این اعتصاب

باید پیروز شود. باید به کارفرما و

دولت نشان داد که وقت قلدری و

زورگویی گذشته است و خواستهای

کارگران باید تماما و فوراً پاسخ داده

شود. این اعتصاب متعلق به همه

شما و پیروزی کارگران پیروزی همه

شما است.

زنده باد کارگران نساجی

کردستان

زنده باد اتحاد

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۲ آبان ۸۴ - اکتبر ۲۰۰۵

پیام به همسران و خانواده های کارگران نساجی کردستان

نسرین رضانعلی

از صفحه ۱

کنند، در تجمعات کارگران شرکت کنند، طومارهای اعتراضی امضا کنند و کارفرما و دولت را برای گردن گذاشتن به خواستهای کارگران تحت فشار قرار دهند.

تعیین کننده ای شده و احتیاج به اقدامات سریع و فوری شما دارد. ضرورت به میدان آمدن شما و حمایت فعال شما از این مبارزه امروز اهمیت صد چندان یافته است.

شما میتوانید با نامه های سرگشاده خود به سازمانها و نهادهای کارگری صدای همسران اعتصابی خود را به گوش میلیونها انسان برسانید. با تجمع خودتان در مقابل ادارات دولتی، استانداری، اداره کار و غیره می توانید فشار بیشتری را به دولت و کارفرما بیاورید تا جواب خواستهای شما را بدهند. شما بهتر از هر کس میدانید که یکی از مشکلات و موانع اصلی برای این اعتصاب وضعیت مالی کارگران است. این مساله فشار زیادی به شما و همسران اعتصابی تان میاورد، در محلات صندوق همبستگی با اعتصاب تشکیل دهید و از مردم بخواهید که به صندوق کمک کنند.

واقعیت این است که این اعتصاب بدون حمایت شما و نقش شما در تقویت این مبارزه نمی توانست تا امروز ادامه داشته باشد. سنتا خانواده های کارگری و همسران در مواقع اوج گیری رویارویی کارگران و سرمایه داران متحذتر می شوند. هیچ کسی بهتر از شما نمی تواند این روزها را به تصویر بکشد. هیچ کسی بهتر از شما نمی تواند شاهد لحظات پرتب و تاب این مبارزه باشد. شما بخواهی نخواهی در این مبارزه در کنار آن ایستاده اید. اما شما نقشی بسیار مهمتر، موثرتر و پر سر و صدا تر میتوانید بعهده بگیرید.

علنا و در سطح وسیع به میدان بیاوید. باید تمام مردم شهر از زبان شما نه تنها اخبار هرروزه اعتصاب را بشنوند بلکه باید مردم شاهد این باشند که شما در صف اول این مبارزه در سطح شهر نقش ایفا میکنید. دور هم جمع شوید، کمیته همسران کارگران را تشکیل دهید، کمیته های اعتصاب در محلات تشکیل دهید، و مردم آزاده و حق طلب شهر را در حمایت از اعتصاب و خواستهای کارگران بسیج کنید و به میدان آوریید. مردم را بسیج کنید که به اشکال مختلف از اعتصاب و خواستهای کارگران نساجی حمایت

دهها ابتکار و اقدام دیگر را می شود در جریان این مبارزه به نمایش گذاشت. باید هر چه زودتر دست به کار شد و وارد این عرصه از مبارزه و اعتراضات کارگران اعتصابی شد. امروز روز به نمایش گذاشتن قدرت و صف متحد و به هم پیوسته شما عزیزان با کارگران اعتصابی است. به میدان بیایید و در این روزهای حساس و تعیین کننده نقش خود را ایفا نمایید.

نسرین رضانعلی
۲ آبانماه ۱۳۸۴

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

کارگران اعتصابی نساجی کردستان در مجمع عمومی خود تصمیمات دولت و کارفرما را رد کردند، اعتصاب ادامه دارد

از صفحه ۱

اعتصاب کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج که از روز دوم مهر ماه آغاز شد همچنان ادامه دارد.

روز سه شنبه ۲۶ مهر اداره کار طی نامه ای به کارگران نساجی اعلام کرد که در مقابل استانداری تجمع نکنند، زیرا قرار است روز چهارشنبه ۲۷ مهر "کمیسیون کارگری" تشکیل جلسه بدهد و مسایل و مشکلات کارخانه نساجی کردستان را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

جلسه این کمیسیون چهارشنبه تشکیل شد. نمایندگان کارفرما و دولت حضور داشتند. از طرف کارگران هم شیث امانی، فرشید بهشتی زاد، اقبال مرادی و جهانگیری حضور داشتند. با شروع جلسه، مسئولین دولتی و امنیتی و انتظامی اعلام کردند که فقط دو نماینده از طرف کارگران میتوانند در این نشست حضور داشته باشند. اجازه حضور سایر نمایندگان کارگران در این جلسه داده نشد. این در حالی

بود که، استاندار، یکی از معاونان استاندار، رئیس اداره کار، فرمانده حراست استان، یک نفر از مقامات نیروی انتظامی، یک نفر از اطلاعات سپاه، فرماندار سنندج و نماینده کارفرما در این کمیسیون حضور داشتند. جمع بندی و نتایج جلسه کمیسیون این چنین بیان شد:

۱- نمایندگان کارگران به ایجاد اغتشاش دامن زدند و اگر کارگران نساجی کار نمی کنند و اعتصاب ادامه دارد، مقصر نمایندگان هستند که اجازه کار را به کارگران نمی دهند.

۲- این اعتصاب غیر قانونی است و فوراً باید اعتصاب تمام شود

۳- دستمزد یک ماه پرداخت نمیشود، زیرا خسارت به کارخانه وارد آمده است.

۴- تمام خسارت وارده در این مدت به کارخانه را کارگران اعتصابی باید بپردازند. این مبلغ از دستمزد کارگران کسر میشود.

۵- کارفرما پول بیمه یک ماه

کارگران را پرداخت نمیکند، این پول از دستمزد ماههای بعدی کسر میشود و به اداره بیمه پرداخت میشود.

۶- مطالبات کارگران غیر واقعی است و تحت هیچ شرایطی کارفرما آنرا اجرا نمیکند

- کمیسیون همچنین اعلام کرده است که این اعتصاب بوسیله حزب کمونیست کارگری هدایت میشود، زیرا بیانیه ها و اطلاعیه های خبری این حزب با دقت خاصی تنظیم میشود و سریعاً بر روی سایتها قرار میگردد. نسرین رمضانعلی یکی از اعضا مرکزی این حزب به کارخانه نساجی زنگ زده است. و...

- نمایندگان کارگران اعلام کرده اند که وصل کردن ما به حزب کمونیست کارگری یک بهانه است و میخواهید از این بهانه برای رد مطالبات ما استفاده کنید.

- صورت جلسه ای که در این

کمیسیون به عنوان سند این جلسه آماده شد از طرف نمایندگان کارگران مورد اعتراض قرار گرفت و امضا نشد. نمایندگان کارگران اعلام کردند این تصمیمات را ما نمی توانیم امضا کنیم بدون اینکه کارگران رای بدهند. پنجشنبه گزارش بالا در مجمع عمومی ۴۰۰ نفر از کارگران که از ساعت ۸ صبح برگزار شد ارائه گردید. در این مجمع عمومی نمایندگان کارگران گزارش بالا را به کارگران دادند و از کارگران خواستند که تصمیم بگیرند قدمهای بعدی را چگونه ادامه بدهند.

کارگران قاطعانه در مقابل تصمیمات "کمیسیون کارگری" ایستادند و همه آن تصمیمات را رد کردند. در مقابل مجمع عمومی تصمیم به ادامه اعتصاب گرفت.

کمیته کردستان حزب همه کارگران و فعالین عرصه های اجتماعی را فرا میخواند که کارگران نساجی و شاهورا حمایت کنند. تصمیمات مقامات دولتی تحت

عنوان "کمیسیون کارگری" باید شدیداً محکوم و تقبیح شود. همه نمایندگان کارگران باید در این جلسات شرکت کنند. منع شرکت بخشی از نمایندگان کارگران در جلسه کمیسیون، نقض آشکار حقوق کارگران است. همه کارگران دیگر بخشهای کارگری باید از کارگران نساجی و شاهورا حمایت کنند. این اعتصاب به روزهای حساسی دارد نزدیک میشود. اقدامات عاجل و مهمی لازم است. حمایت وسیع مردم و دیگر بخشهای کارگری مهمترین عامل به پیروزی رسیدن کارگران اعتصابی است. اتحاد و همبستگی کارگران اعتصابی کلید پیروزی این حرکت است. این اتحاد را باید تقویت کرد.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ مهرماه ۸۴
۱۲۰ اکتبر ۲۰۰۵
* * *

کارگران نساجی کردستان را حمایت کنید ورود نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم اسلامی به کارخانه را محکوم کنید

از صفحه ۱

روز شنبه ۳۰ مهر نیروهای انتظامی و اطلاعات رژیم اسلامی همراه با عوامل مدیریت، وارد کارخانه نساجی کردستان شده و به قصد درهم شکستن اعتصاب کارگران این کارخانه، ماشینهای تولید را روشن کردند.

کارگران اعتصابی که از روز ۲ مهر ماه اعتصاب را در این کارخانه آغاز کرده اند تا کنون به خواسته های برحق خود دست نیافته اند. نقش نیروهای نظامی و اطلاعاتی در حمایت از کارفرما، کارگران را خشمگین کرده و ماشینهایی را که عوامل مدیریت به کمک نیروهای انتظامی و اطلاعاتی روشن کرده بودند، بلافاصله خاموش کردند. نیروهای انتظامی التیامات داده اند

که روز يك شنبه این اعتصاب باید تمام شود.

فردا یکشنبه، احتمالاً مزدوران حکومتی به این کارخانه و تعرض به کارگران را از سر میگیرند. کارفرما و عوامل او در صدد هستند با حمله به کارگران و ایجاد فضای رعب و وحشت، اعتصاب کارگران نساجی را به شکست بکشاند. کارگران اعتصابی به حمایت شما مردم و کارگران چشم دوخته اند.

کارگران و مردم آزادپخواه سنندج!

اعتصابات اخیر کارگران کارخانه نساجی کردستان وارد مرحله حساس و تعیین کننده ای شده است. وادار کردن کارفرما و دولت به عقب نشینی، تنها با

حمایت شما از کارگران اعتصابی ممکن است.

دولت و کارفرما قصد درهم شکستن این اعتصاب را دارند. کارگران متحد و محکم ایستاده اند. نتایج پیروزی یا شکست این اعتصاب محدود به این کارخانه نبوده و نیست. این يك زورآزمایی دولت با کارگران و مردم سنندج است که در نساجی کردستان دارد تعیین تکلیف میشود. این اعتصاب تا همین اکنون هم فضای مبارزاتی در شهر سنندج را بالا برده و نشان داده است که کارگران نقش مهمی در ایجاد فضای انقلابی ایفا کرده اند.

اکنون عوامل حکومتی و کارفرمایان، در صدد هستند با

ایجاد رعب و وحشت، کارگران اعتصابی را به زور وادار کنند، اعتصاب را بشکنند. این رفتار قلدر منشانه، باید با اعتراض و مقابله عمومی مردم و کارگران دیگر بخشها روبرو شود. اعتصاب حق کارگران است و هر نوع قلدر منشی و لشکرکشی به کارخانه باید از طرف کارگران دیگر کارخانه ها و مردم محکوم شود. باید به کمک کارگران نساجی شتافته و هر نوع تعرض به کارگران را با قاطعیت جواب داد.

تعرض نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم اسلامی به اعتصابیون نساجی را محکوم میکنیم. ورود نیروها انتظامی رژیم اسلامی به کارخانه باید مورد اعتراض شدید همه مردم قرار گیرد. باید فوراً

کارگران دیگر مراکز کارگری با اعلام همبستگی خود از خواسته های کارگران نساجی حمایت کنند. لازم است کارگران نساجی و شاهورا در مقابل دولت و کارفرما متحدانه بایستند. این هماهنگی لازم و ضروری است. کمیته کردستان حزب شرایط و موقعیت شما کارگران نساجی را به اتحادیه های کارگری و افکار عمومی اطلاع و از اتحادیه های کارگری میخواهد که از اعتصاب شما حمایت کنند.

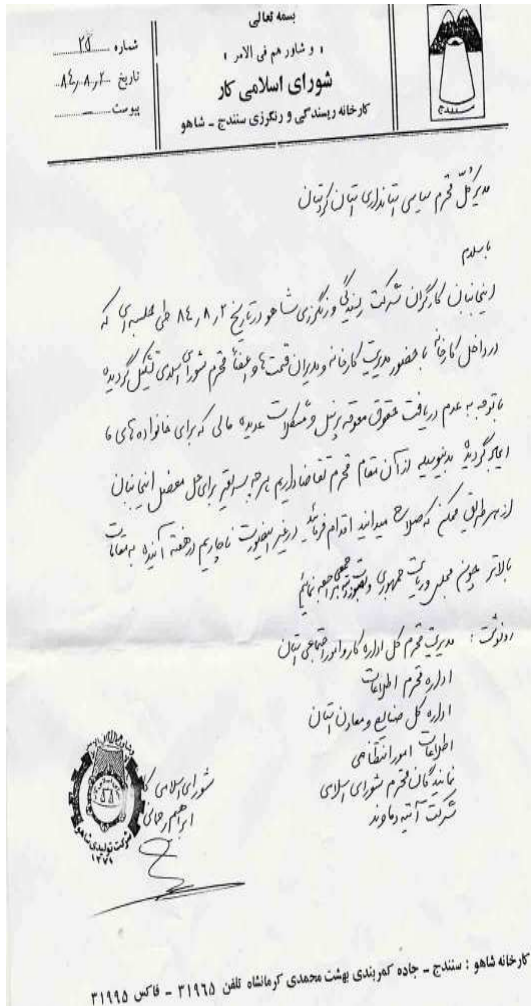
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ مهر ۸۴
۲۲ اکتبر
* * *

کارگران شاهو تصمیم خود را به استانداری ابلاغ کردند

از صفحه ۱

کارگران عملی شود، در غیر اینصورت کارگران هفته آینده دسته جمعی همه ۱۴۰ کارگر این کارخانه به تهران مراجع می‌کنند و مقابل دفتر ریاست جمهوری و مجلس تجمع می‌کنند. این تصمیم کارگران طی نامه ای به استانداری ابلاغ شده است. عین نامه کارگران به مدیرکل سیاسی استانداری را در زیر ملاحظه می‌کنید:

کارگران شاهو در مجمع عمومی خود در تاریخ ۲ آبان ۱۳۸۴ تصمیم گرفتند برای پیگیری مطالباتشان یک بار دیگر به استانداری مراجعه کنند. در نهایت تصمیم کارگران طی یک نامه به مدیرکل سیاسی استانداری ابلاغ داده شد. در این نامه کارگران از مدیرکل سیاسی استانداری استان کردستان خواسته اند که از طرق مختلف تلاش کند که مطالبات



گزارشی از اقدامات تفرقه افکنانه

از صفحه ۱

بهرام شاد

در حالی که دیروز قربانی مدیر عامل کارخانه نساجی کردستان وارد کارخانه شد تعداد ۲۰ نفری از مسئولین قسمتها و دست اندر کاران کارخانه را با خود برای یک ضیافت افطاری ماه رمضان برد، تا با دادن وعده به آنها بتواند اتحاد و انسجام کارگران را درهم بشکند.

در همین ضیافت رئیس کل بنیاد مستضعفان نیز حضور داشت. بعد از سلام و صلوات قربانی بادی به غیب انداخت و گفت: می دانید که کارگران نمی خواهند کار کنند تنبیل هستند. در ادامه گفت: مگر من چندین بار نیامدم داخل سالن و با کارگران صحبت کردم و گفتم شما کارتان را از سر بگیرید ولی کارگران راضی نشدند کار کنند.

آقای رئیس هم گوش می داد قربانی ادامه داد و متن نامه ای را قرائت کرد در این نامه که تلاش داشت آن را به امضای همان تعداد برساند چنین آمده است: در این کارخانه اغتشاشهای که صورت می گیرد از جانب تعدادی است که با

اخراج کردن آنها می توانیم آرامش را برقرار کنیم و ماشینها را روشن کنیم. این نامه و این طرح آقای مدیرعامل با اعتراض تعداد از همین افراد مورد اعتماد خود ش روبرو شد. این طرح در نطفه شکست خورد، زیرا حتی کسانی که آنجا بودند گفتند این تصمیم همه کارگران است و نه تنها چند نفر که با

اخراج آنها بشود ساکتشان کرد.

قربانی این بار بحث را به شکل

دیگری مطرح کرد و به این کسانی که آورده بود و تمام امیدش را به آنها بسته بود اعلام کرد که فردا شما ماشینها را روشن کنید و سعی کنید به بقیه هم بگویید بیایید کار را از سر بگیرید.

یکی از آنها اعلام کرد من یکی که اصلا بلد نیستم ماشین روشن کنم حالا چطور فردا بروم ماشین روشن کنم. در میان همان جماعت یکی دیگر گفت آقای قربانی مگر شما عزم کارگران را ندیده اید، با این کارها آنها به سر کار باز

نخواهند گشت. یکی دیگر گفت آقای قربانی شما که روز بعدش می روید تهران، می شود بگویید فردا ما چطور به این کارگران نگاه کنیم و... یکی دیگر دنبال بحث را می گیرد و می گوید ببینید شما می خواهید در کارخانه سود بیشتری داشته باشید. برای این کارخانه شما می خواهید نیروی تازه نفس بیاورید خوب اول این کارگران که عمری جان کنده اند را راضی کنید بعد هر کاری می خواهید انجام بدهید.

قربانی که ظاهرا به رئیس کل بنیاد قوهلهایی داده بود در میان این صحبتها و بحثهای منطقی سرش را پایین انداخت و چیزی نگفت و اعلام کرد که فردا کمیسیون کارگری تصمیم نهایی خود را اعلام خواهد کرد. از شیوه بحث آقای مدیرعامل کارخانه پیدا است که کمیسیون کاملاً در جهت منافع ایشان تصمیم میگیرد.

سنندج

۲۷ مهر ۱۳۸۴

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

پيامگير: ۰۰۴۶۸۶۵۹۰۷۵۵
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۶۵۶۳۶۲
e.mail:
radio7520@yahoo.com

به اطلاع میرسانیم که از یکشنبه ۸ آبان ۱۳۸۴ برابر با ۱۳ اکتبر ۲۰۰۵، طول موج رادیو انترناسیونال تغییر میکند. شما از ۸ آبان برنامه های رادیو انترناسیونال را، هر شب ساعت ۹ به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز، خواهید شنید.

لطفا طول موج جدید و ساعت بخش رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید.

مدیر رادیو انترناسیونال
ساوش دانشور
۱۰ اکتبر ۲۰۰۵

× تا ۸ آبان و بدلیل تغییر ساعت در ایران موقتاً برنامه ای رادیو انترناسیونال هر شب ساعت ۸ به وقت تهران و روی طول موج فعلی یعنی ۴۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز بخش میشود.

ما همه کارگران شاهو و نساجی کردستان را به اتحاد و همبستگی فرا میخوانیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آبان ۱۳۸۴

گزارشی به مردم و کارگران در ایران و اتحادیه های کارگری در جهان

از صفحه ۱

اعتصاب ما امروز وارد بیست و هشتمین روز خود شد امروز ۲۸ مهر ماه ۸۴ مجمع عمومی کارگران تشکیل شد و نمایندگان ما گزارشی از مذاکرات خود با کمیسیون کارگری به مجمع دادند، که آقای مجید صادقی زاده رئیس اداره کار زیر آن را امضا کرده بود.

در این گزارش نه تنها به خواستهای ما کارگران جوابی داده نشد بلکه ما کارگران را متهم به اغتشاشگری نمودند. نمایندگان را اغتشاشگر دانسته و همچنین اعلام کردند به هیچ کدام از خواستهای ما جواب نخواهند داد.

گفته اند که خواستهای ما واقعی

و قابل اجرا نیستند.

در همین نشست کمیسیون کارگری همچنین نمایندگان دولت و کارفرما اعلام کردند که حقوق یک ماه ما را پرداخت نخواهند کرد.

گفته اند حقوق مهرماه، ما را پرداخت نخواهد کرد و بیمه مهرماه را نیز از حقوق ما کم خواهد شد و به ادراه بیمه پرداخت می شود. این پول را تا کنون کارفرما پرداخت کرده است.

گفته اند این پول از حقوق ما کسر می شود و در پایان با بی شرمی تمام اعلام کرده اند که ما باید خسارات یک ماه را که در اعتصاب بوده ایم به کارفرما پرداخت کنیم. گفته اند این

خسارت نیز از حقوق ماههای آینده کم خواهد شد.

ما این گزارش را از نمایندگان خود امروز شنیدیم. کارگران بشدت از این تصمیمات عصبانی هستند و اعلام کرده اند این تصمیم کمیسیون کارگری ضد کارگری است. علیه ما کارگران و خواستهایمان است. ما این تصمیمات زورگویانه را محکوم میکنیم.

در این مجمع عمومی که نزدیک به ۴۰۰ کارگر حضور داشتند تصمیم گرفته شد ما به اعتصاب خود ادامه خواهیم داد تا به خواستهایمان برسیم. کارگران در این مجمع عمومی اعلام کردند که اقدامات

جدی تری را در دستور خود خواهند گذاشت.

کمیته اعتصابیون نساجی کردستان وظیفه خود میدانند تا رسیدن به خواستهایمان منعکس کننده این اعتراضات و در راس آن نقش خود را به نحو احسن انجام دهد.

ما خواهان لغو قراردادهای موقت هستیم

کارتهای ورود به کارخانه همکارانمان باید فوری پس داده شود (ضبط این کارتها به معنی اخراج است)

پرداخت حقوقهای شهریور ماه و مهر ماه بدون فوت وقت

اجرای سریع طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه

ما خواهان تعیین حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان هستیم

کمیسیون کارگری که دستورات کارفرما را نمایندگی کرده باید فوراً پس گرفته شود

این کمیسیون به دلیل اتهامات ناروا به کارگران باید از کارگران و نمایندگان ما معزرت بخواند.

زنده باد اتحاد کارگری!

زنده باد اعتصاب کارگران نساجی!

کمیته اعتصابیون نساجی کردستان

۲۸ مهر ۱۳۸۴

"کمیسیون" ضد اعتصاب

از صفحه ۱

اکنون يك ماه است که اعتصاب کارگران نساجی کردستان همچنان ادامه دارد. اداره کار در روز سه شنبه ۲۳ مهر ماه بدنبال انتشار نامه ای از کارگران اعتصابی خواسته بود که در مقابل استانداری تجمع نکنند چون قرار است روز چهارشنبه ۲۷ مهر "کمیسیون کارگری" تشکیل جلسه بدهد و مسائل و مشکلات کارگران را مورد بحث و بررسی قرار بدهد.

مخالفت مقامات دولتی و کارخانه و کارفرما از حضور حتی يك نفر بیشتر از نمایندگان کارگران در این نشست، نشاندهنده اوج استیصال و ترسی است که از اعتصاب و گسترش آن، سراپای وجود نمایندگان "کمیسیون" را فرا گرفته است. به این ترازون در این جلسه نگاه کنید.

دو نفر نماینده از میان کارگران اعتصابی در مقابل- استاندار- معاون استاندار- رئیس اداره کار- فرمانده حراست استان- يك نفر از مقامات نیروی انتظامی- يك نفر از اطلاعات سپاه- فرماندار سنندج- و نماینده کارفرما و نگهبانان دم در، جمعاً بیش از ۱۰ نفر از حامیان

این سیستم ضد کارگری در يك نشست به حراست از منافع سرمایه پرداختند. تصویر این نشست به خوبی گویای هراس از کارگرانی است که برای دستیابی به مطالبات خود ذره ای کوتاه نمی آیند

جمع بندی نتایج این نشست نیز نه تنها علیه حقوق واقعی کارگران اعتصابی، بلکه بند بند نتایج این "کمیسیون" اعلام نموده که آنچه را که کارگران برای آن دست به اعتصاب زده اند را بیشتر از آن زیر پا خواهند گذاشت.

در این نشست بنا به مثل معروف (دزد آمد و صاحب خانه را گرفت). بدنبال این نشست روز شنبه نیروهای انتظامی و اطلاعاتی رژیم اسلامی همراه با عوامل مدیریت و کارفرما به قصد شکستن اعتصاب وارد کارخانه شده و ماشینهای تولید را روشن کردند و متقابلاً کارگران نیز دستگاه ها را خاموش کردند.

کارفرما با پشتیبانی عوامل و نیروهای انتظامی با تمام توان در صدد ایجاد رعب و وحشت در کارخانه برآمده اند تا به این وسیله

اراده مصمم کارگران اعتصابی را در رسیدن به خواستهایشان درهم بشکنند.

کسانی که از قبل دست رنج کارگران اعتصابی نساجی و همقطاران آنها شب و روز به چپاول و استثمار و دزدی اشتغال دارند، در صدد هستند تا برای شکستن اعتصاب و تحمیل فقر و رنج بیشتر بر کارگران از هر ترفند و ابزاری استفاده کنند. بهانه جونی های کاسه لیسان سرمایه در این نشست مبنی بر هدایت اعتصاب توسط حزب کمونیست کارگری، و با ایجاد فضای رعب و وحشت در محیط کارخانه، نمی تواند کوچکترین خللی در ادامه عظم راسخ و قاطعانه کارگران اعتصابی نساجی فراهم کند. کارگران اعتصابی نساجی کردستان و همقطاران آنها در بخش های مختلف تولیدی با همبستگی و نیروی اتحاد جمعی و اتکا به تصمیمات مجمع عمومی باید به خواستهای خود برسند. تا کنون و بارها کارگران شاهر و نساجی و دیگر کارگران سراسر کشور، پیروزی هایی را در جریان

حرکتهای اعتراضی خود به ثبت رسانیده اند، نتایج موفق این قاطعیت ها را تجربه کرده اند و نمایندگان این حکومت حامی سرمایه و ضد کارگری، در مقابل نیروی متحد و یکپارچه ما کارگران، ناچار به زانو زدن شده اند.

روند اعتراضات و اعتصابات، و تجمع های اعتراضی کارگران در سال جاری و ماههای اخیر بخوبی نشان داده است که فقط با اتکا به تصمیمات مجمع عمومی کارگران و ایستادگی قاطعانه و جلب پشتیبانی بخشهای دیگر کارگری می توان دولت و کارفرما و تمامی جیره خواران و نمایندگان این نوع از "کمیسیونهای" ضد کارگری را افشا کرد و به عقب راند.

حضور ۱۰ نماینده دولت و کارفرما در این نشست در مقابل دو نماینده از میان کارگران، نشاندهنده قدرت و ایستادگی کارگران نساجی است. کارگران اعتصابی نساجی کردستان از حضور این همه قداره بند در کمیسیون کذائی اداره کار، این را دریافته اند که از چه قدرت و نیروئی



عبدل گلپریان

برخوردار هستند. همین قدرت و این ظرفیت می تواند این تضمین را به کارگران اعتصابی بدهد که باید در مقابل دولت و کارفرما و تا رسیدن به خواستهای خود همچنان راسخ و استوار بایستند. بی گمان در این شرایط کارگران نساجی به کمک و پشتیبانی وسیع نه تنها کارگران رشته های تولیدی دیگر بلکه به پشتیبانی و حمایت مردم نیازمند هستند. با مجمع عمومی در هر مرحله از این اعتصاب، پیروزی اعتصاب کارگران نساجی مسجل است

* * * * *

قطعه نامه روز جهانی کودک در کامیاران

از صفحه ۱



شویم. کودکان ماشادی ورفاه می خواهند، کودکان مانمی خواهند با دستهای کوچکشان کارکنند، کودکان ما یک زندگی توام با شادمانی، رفاه وامنیت میخواهند تا بتوانند محیط پیرامون خودراکشف کنند.

۵. کودکان مهاجر بویژه مهاجرین جنگی صرفنظر از ملیت، نژاد، مذهب و... باید از کلیه مفاد این قطعه نامه برخوردار باشند

۶. درسال ۱۵ تا ۲۰ هزارکودک قربانی مین می شوند، مین ها باید فوری جمع آوری ومنهدم گردند

۷. محاکمه، حبس واعدام کودکان زیرهیجده سال ممنوع است

۸. بایدتمام کودکان خیابانی بدون هیچ تهدید و بازخواستی مورد حمایت وتامین اجتماعی قرارگرفته وکلیه مفادپیمان نامه جهانی درمورد آنان رعایت شود.

۱۶ مهر ۱۳۸۴

۱. ممنوعیت کاربرای کودکان زیر ۱۶ سال هستیم

۲. تامین بیمه های اجتماعی، آموزش وپرورش، بهداشت و درمان، تغذیه مناسب، رایگان برای همه کودکان و خانواده هایی که زیرخط فقر قراردارند هستیم

۳. تحت تکفل قراردادن همه کودکان بی سرپرست ودارای نقص جسمانی ونارسائیهای ذهنی توسط دولت و تامین کلیه امکانات زندگی و آموزشی با استانداردهای بین المللی

۴. ممنوعیت هرگونه خشونت،

زودهننگام، سوء استفاده های جنسی، ازدواج وطلاق زودرس و تحمیلی، عدم پوشش تحصیلی کامل، اعتیاد، خرید و فروش و قاچاق اعضای بدن آنان از جمله فجایعی است که دنیای امروز وسیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه درقرن بیست ویکم به زندگی و روان آنها تحمیل کرده است.

برای نجات همه کودکان ناچاربه تلاش هستیم. تلاش ما تلاش حق طلبانه برای برخورداری ازیک زندگی انسانی ودنیائی شاد برای کودکانمان است.

بیائید همه باهم دست به کارتغییراین دنیای استثمار زده

نهاد ها سازمانها! مدافعین حقوق کودکان!

ما در دنیائی سرشار ازظرفیتهواامکانات رفاهی برای برخورداری ازیک زندگی شاد توام باامنیت وآسایش زندگی می کنیم اما بدلیل ساختارنظام سرمایه داری حاکم بر دنیا، کودکان ما بی رحمانه مورد استثمار قرار می گیرند. بی عدالتی، فقر و نابرابری حاکم بر این جوامع، جزء لاینجزای آن است. آینده مبهم کودکان بی سرپرست، گسترش کودکان خیابانی، کودک آزاری و خشونت علیه آنان همراه با مجازات در زندان، کار

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

۲۱ متر برابر با

۱۳۸۰۰ کیلو هرتز

تلویزیون

کانال جدید

۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar
Center
Frequency:
12608MHz
Symbol
Rate:19279
FEC:2/3
Polarization:Hor
izontal

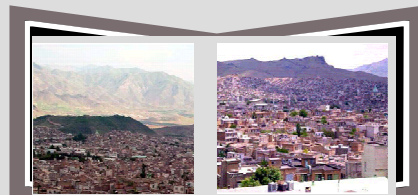
کمکهای مالی رسیده

آلمان / کلن

عبه صید مرادی ۳۰ یورو

آزاد و جوان ۵۰ یورو

فصلنامه رها شماره یک منتشر شد



رها شماره یک به چگونگی شکل گیری بنکه ها در سنندج، کانون معلمان و فعالین سالهای ۵۷ و ۵۸ اختصاص داده شده است، نویسندگان مقالات، خود فعالین بنکه ها بوده اند و در رابطه با بنکه ها صاحب نظرند و هر کدام در عرصه های متفاوتی تلاش کرده اند و نامشان برای مردم سنندج آشنا است و از زوایای گوناگون این فعالیت ها را مورد بررسی قرار داده اند که جنبه های آموزشی و بسیار ارزشمندی را دربر دارد.

مسئول فصل نامه رها: شمه صلواتی

در این شماره می خوانید:

سخنی با خوانندگان : شمه صلواتی
پروسه شکل گیری بنکه ها : منصور فرزاد
کانون معلمان : وفا نصرت پور
مبارزین چپ : بهروز شادی مقدم
بنکه ها : عبدال گلپریان

برای خرید این فصل نامه با شمه صلواتی تماس بگیرید.
قیمت ۲ یورو

E-mail : ssalwati@aol.com
Tel : + 49171/2709438

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!